


زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس اندیشه دینی

محمد زارعی توپخانه / استادیار گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Mohammadz@rihu.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-3788-3401

janbo@rihu.ac.ir

مسعود جان‌بزرگی / استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

rasoolza@modares.ac.ir

سید کاظم رسول‌زاده طباطبایی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی

psy.dep@rihu.ac.ir

سید محمد غروی‌راد / مدیر دانشکده علوم رفتاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس اندیشه دینی صورت پذیرفته است. این پژوهش از نوع بنیادین نظری است و از روش «اجتهادی» استفاده کرده است. با استفاده از این روش، داده‌های لازم استخراج، دسته‌بندی و تحلیل گردیدند. به منظور ارزشیابی، صحت، قابل اطمینان بودن و موثق بودن از شاخص‌های «اعتمادپذیری»، «انتقال‌پذیری»، «وابستگی و اتکاپذیری»، و «تأییدپذیری» گابا و لینکلن استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از جداول و نمودارهای فراوانی و بررسی اعتمادپذیری از دو شیوه «نسبت روایی محتوا» (CVR) و شاخص «روایی محتوا» (CVI) استفاده گردیده است. نتایج حاصل از زمینه‌یابی و روایی‌سنجی، گویای این مطلب است که از دیدگاه آموزه‌های اسلامی برای زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی ۳۳ مقوله قابل استخراج است که ۱۵ مقوله در حوزه فردی و ۱۸ مقوله در حوزه ارتباطی جای می‌گیرند. این یافته می‌تواند زمینه را برای ساخت مقیاس و مداخلات بالینی بر اساس اندیشه اسلامی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: پیمان‌شکنی زناشویی، زنا، خیانت.

ازدواج الگوی «رابطه سالم» است و تعهد در ازدواج^۱ نیمی از رابطه سالم محسوب می‌شود (اسپانیر، ۱۹۷۹). یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری تعارضات زناشویی و طلاق، پیمان‌شکنی زناشویی زوجین است (گایر، ۲۰۱۰؛ مک‌دنیل، بروین، کراونس، ۲۰۱۷). پیمان‌شکنی زناشویی پایه‌های ازدواج را لرزان نموده، به نابودی نهاد مستحکم خانواده می‌انجامد.

«پیمان‌شکنی زناشویی» به «تقلب و غیرقابل اعتماد بودن در رابطه، با وجود داشتن تعهد در زندگی زناشویی» تعریف شده است (زارعی توپخانه، ۱۳۹۸). این روابط می‌تواند عاطفی، جنسی یا هر دو باشد (دریگوتاز، ساف استروم، ژنتیلیا، ۱۹۹۹). «پیمان‌شکنی جنسی» اشاره به فعالیت جنسی با کسی به غیر از شریک زندگی دارد. «پیمان‌شکنی عاطفی» زمانی رخ می‌دهد که منابع شریک زناشویی (مانند عشق رمانتیک) صرف زمان و توجه به کسی دیگر معطوف شود و شامل ارتباط عاطفی با فردی غیر از شریک زندگی می‌شود (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۱). زنان بیشتر پیمان‌شکنی عاطفی و مردان بیشتر پیمان‌شکنی جنسی دارند (براون، ۲۰۱۳). نظریه‌پردازان زمینه‌ها و عوامل گوناگونی برای شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی ذکر کرده‌اند. نظریه‌های «توصیفی و هنجاری»، «دلبستگی»، «سرمایه‌گذاری تکاملی»، و «اجتماعی‌شدن»، هر کدام درصد تبیین پدیده «خیانت» برآمده‌اند (جمر، ۲۰۱۲).

الگوهای «توصیفی و هنجاری» (Descriptive and normative models) درصد توصیف و تبیین پیمان‌شکنی زناشویی از طریق متغیرهای جمعیت‌شناختی و مؤلفه‌های هنجاری هستند (دریگوتس و باراتا، ۲۰۰۱). «نظریه دلبستگی» (Attachment theory) حکایت از آن دارد که پیمان‌شکنی زناشویی ناشی از شکل‌گیری «دلبستگی نایمن» (Insecure attachment) در دوران کودکی است که از - به‌ویژه - تعامل نامناسب با مادر شکل گرفته است (میشل، ۲۰۰۰).

در الگوی «سرمایه‌گذاری» (Insecure attachment) فرد براساس سرمایه‌گذاری که در رابطه داشته است، تعهد و عدم تعهد خود را نشان می‌دهد (دریگوتس و همکاران، ۱۹۹۹).

«الگوی تکاملی» (Evolutionary model) می‌کوشد پیمان‌شکنی را در چارچوب روابط در ارتباط با حسادت و غیرت (jealousy) به‌مثابه یک سازوکار روان‌شناختی تفسیر کند که برای حل مسائل مربوط به تولید نسل افراد رخ می‌دهد (بارکو و همکاران، ۱۹۹۲؛ باس و همکاران، ۱۹۹۲).

الگوی «اجتماعی‌شدن یا جامعه‌پذیری» (Socialization model) معتقد است: مردان و زنان در خیانت جنسی یا عاطفی با هم تفاوت دارند و این مسئله از اجتماعی‌شدن و جامعه‌پذیری نشئت می‌گیرد (فینگستین و پلتز، ۲۰۰۲). یکی از نظریه‌های جامعه‌پذیری، «نظریه اجتماعی - فرهنگی» (Sociocultural theory) است که اعتقاد دارد: پیمان‌شکنی از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری جامعه شکل می‌گیرد (اگلی و وود، ۱۹۹۱).

پژوهش‌ها نیز از نقش فرهنگ و مذهب در میزان و نوع پدیده پیمان‌شکنی حکایت دارند. نتایج پژوهش پزن و همکاران (۱۹۹۷) درباره نقش نگرش‌های مذهبی در شکل‌گیری روابط جنسی و پیمان‌شکنی زناشویی نشان می‌دهد: مذهب کاتولیک بر تولیدمثل تأکید دارد. براین اساس از زنان و مردان انتظار پاکدامنی دارد. اسلام ازدواج را به پیوند دو خانواده و زوج تعبیر کرده است. بنابراین، احترام و جایگاه خانواده با پاکدامنی پابرجا می‌ماند. در عین حال، چندهمسری هم ممکن است تجویز گردد.

پروتستان ازدواج را مقدس می‌داند و بر پیوند اعضای خانواده در پرتو عنایات خداوند تمرکز دارد. بنابراین، در تمام مذاهب، پیمان‌شکنی زناشویی ممنوع شمرده شده است و آن را از زمینه‌های شکل‌گیری طلاق می‌دانند. کاتو و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی ۱۹۲ دانشجوی پرتغالی و ۴۱۵ دانشجوی برزیلی دریافتند: متغیرهای اجتماعی - فرهنگی (فرهنگ احترام، ویژگی‌های مردانه و زنانه) با نوع خیانت (جنسی یا عاطفی) در ارتباط است. نتایج پژوهش توپلو دمیرتاس و فینچم بر روی ۴۲۰ تن از دانشجویان کشور ترکیه از دخیل بودن فرهنگ در نگرش و انگیزه خیانت حکایت دارد.

تاریخ و فرهنگ ایران باستان پیش از اسلام نشان می‌دهد: پیمان‌شکنی در طول قرون متوالی امری مذموم و نکوهیده بوده است و افراد پیمان‌شکن کیفر سنگینی متحمل می‌شدند. بعد از ورود اسلام به ایران، فرهنگ پوشیدگی و حفظ حریم تأیید شد و پیمان‌شکنی زناشویی امری مذموم و هنجارشکنانه تلقی گردید (فلور، ۲۰۰۸).

قرآن کریم پیوند میان زن و مرد را «میثاق غلیظ» نامیده است: «زنانتان از شما پیمان محکم و استواری گرفته‌اند» «وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱) و بنیادی محبوب‌تر از ازدواج (خانواده) نزد خدا، نهاده نشده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۴). در اسلام پیمان‌شکنی زناشویی نکوهش شده و آن از عوامل اصلی از هم پاشیدن پیوند زناشویی به‌شمار آمده است.

در روایتی از امام معصوم وارد شده است: روابط نامشروع وارد خانه‌ای نمی‌شود، مگر اینکه آن را ویران می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۶، ص ۱۹). همچنین در روایات، پیمان‌شکنی زناشویی یکی از زوجین از عوامل خیانت زوج دیگر و درگیر شدن فرزندان در روابط نامشروع دانسته شده است (همان، ص ۲۶-۲۷).

آیات قرآن پیمان‌شکنی زناشویی را عاطفی و جنسی می‌داند: «مهر (زنان) را بدهید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه به طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند» «أَتُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء: ۲۵).

با این وجود، در منابع دینی پیمان‌شکنی زناشویی جنسی بیشتر تقبیح شده است و در صورت اثبات در محاکم قضایی، پیامد بسیار سختی به دنبال دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۵۰-۲۶۰). در نهایت، از دیدگاه اسلامی، هرگونه روابط عاطفی یا جنسی غیرشرعی که فرد با غیر همسر خود داشته باشد پیمان‌شکنی زناشویی شمرده می‌شود (زارعی توپخانه، ۱۳۹۸، ص ۱۹).

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه پیمان‌شکنی زناشویی، در بررسی ادبیات موجود، پژوهشی به‌دست نیامد که براساس اندیشه اسلامی، پیمان‌شکنی زناشویی را زمینه‌یابی و روایی‌سنجی نموده باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد زمینه‌یابی و روان‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه دینی است و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی کدام است؟ روایی‌سنجی زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی چگونه است؟

روش پژوهش

این تحقیق از نوع بنیادین نظری است. به‌منظور جمع‌آوری آموزه‌های دینی درباره پیمان‌شکنی زناشویی از روش «اجتهادی» استفاده شده است. این روش نوعی تحلیل محتوای کیفی است که از دیرباز مسلمانان برای تحلیل متون قرآنی و روایی از آن استفاده می‌کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

روش «اجتهادی» یکی از مهم‌ترین روش‌ها در فهم متون دینی است که به استنباط، استخراج، بررسی مبانی و مسائل از منابع دینی می‌پردازد (علیپور و حسنی، ۱۳۸۹؛ نورعلی‌زاده، ۱۳۹۷؛ زارعی توپخانه، ۱۳۹۸). برخی از محققان به جای روش «اجتهادی» از تعابیر دیگری، مانند روش «تحلیل محتوا در متون دینی»، روش «نقلی» (شجاعی، ۱۳۹۴)، و روش «فقه الحدیث» (مسعودی ۱۳۹۵) استفاده کرده‌اند.

از دیرباز، پژوهشگران کنترل کیفیت پژوهش خود را از طرق اعتبار و روایی به‌دست آورده‌اند؛ اما «اعتبار» و «روایی» از اصطلاحاتی هستند که پژوهشگران کمی از آن استفاده نموده‌اند و در روش‌شناسی کیفی - که روش «اجتهادی» نیز نوعی تحلیل محتوای کیفی است - بر این مفاهیم، توافقی وجود ندارد. بنابراین، یکی از چالش‌های عمده پژوهش‌های کیفی، کشمکش برای حصول توافق بر سر ملاک‌هایی است که باید در داوری درباره کیفیت پژوهش به کار برده شود (هومن، ۱۳۸۵، ص ۵۳). گابا و لینکلن به منظور ارزشیابی، صحت، اطمینان و توثیق (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) از شاخص‌های اعتمادپذیری (credibility)، انتقال‌پذیری (transformability)، وابستگی و اتکالپذیری (dependability)، و تأییدپذیری (conformability) استفاده نموده‌اند. «اعتمادپذیری» معادل «روایی درونی» است. بر این اساس، در این پژوهش به منظور حصول معیار قابلیت اطمینان یا موثق بودن (trustworthiness) از شاخص‌های روایی گابا و لینکلن (۱۹۸۹؛ هومن، ۱۳۸۵) بهره برده شد. برای اطمینان از اعتمادپذیری داده‌ها (معادل روایی محتوا)، نتایج داده‌ها به کارشناسان ارائه شد تا نظرات اصلاحی آنها - حتی‌الامکان - اعمال شود. پژوهشگران معمولاً از بررسی نظر صاحب‌نظران برای بررسی روایی محتوای مقیاس‌ها و طرح‌های درمانی - آموزشی استفاده می‌کنند (واکسر، ۲۰۱۳؛ رادیچز و همکاران، ۲۰۱۷؛ رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷). این روش برای ساخت مقیاس‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (سیدانی و برادن، ۲۰۱۱، ص ۱۳۳).

اعتمادپذیری یا روایی یافته‌های مربوط به عوامل و الگوی مفهومی است و میزان مطابقت و عدم مطابقت یافته‌ها با منابع اسلامی توسط کارشناسان انجام می‌گیرد. بررسی روایی محتوا با دو شیوه «نسبت روایی محتوا» (CVR) و «شاخص روایی محتوا» (CVI) صورت می‌پذیرد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲).

شیوه اجرا

برای زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی لازم است مراحل ذیل طی شود:

اول. استخراج کلیدواژه‌های عربی متناسب با پیمان‌شکنی زناشویی و زمینه‌های آن (مانند: زنا، خیانت، اخدان، محصنات، فاحشه، وعفت).

دوم. تعیین منابع معتبر اسلامی:

الف. قرآن که اعتبار آن قطعی است و دلالت آن براساس نوع آیات با مراجعه به لغت و مفاهیم و تفاسیر به‌دست می‌آید.

ب. روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت ﷺ که منابع روایی با معیار درجه‌بندی کتب روایی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۸۶) کتاب‌های درجه «الف» (کتاب‌های مقبول و معتمد شیعیان)، کتاب‌های درجه «ب» (دارای صلاحیت نسبی) و کتاب‌های درجه «ج» (کتاب‌های ضعیف که به‌عنوان مؤید از آنها استفاده می‌شود) مورد استناد قرار گرفته‌اند. سوم. استخراج آموزه‌های مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی و اعمال مبتنی بر آن، از متون معتبر اسلامی و تشکیل خانواده حدیث (مسعودی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳): لازم به ذکر است به منظور جمع‌آوری دقیق‌تر گزاره‌های دینی، منابع مرتبط با پیمان‌شکنی زناشویی، عفت و خانواده، مانند جلد ۲۰، ۲۱ و ۲۸ کتاب *وسائل الشیعه* و جلد ۱۴ کتاب *مستدرک الوسائل* از ابتدا تا انتها مطالعه و احادیث مرتبط استخراج گردید.

چهارم. دسته‌بندی گزاره‌های دینی مرتبط؛ در اینجا گزاره‌های مرتبط با پیمان‌شکنی زناشویی از لحاظ موضوعی و مفهومی استخراج گردیدند.

پنجم. استنباط و استخراج زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی با کمک متخصصان؛ در روش «اجتهادی» که نوعی تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی است، محقق براساس سؤال و هدف پژوهش، مفهوم کلی را به‌دست می‌آورد و رمزها استخراج می‌شود و نام‌گذاری آنها صورت می‌گیرد و آن رمزها براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها طبقه‌بندی و در زیرطبقه‌ها / زیرمقوله‌ها و طبقه‌ها / مقوله‌ها جای می‌گیرند. در پایان، به ازای هر مفهوم شواهدی از متن ذکر می‌گردد (شانون، ۲۰۰۵) در این پژوهش ابتدا داده‌ها رمزگذاری شد و در زیرطبقه‌ها / زیرمقوله‌ها قرار گرفت و با مشورت با متخصصان زمینه‌ها نیز شکل یافت.

ششم. کسب اتکاپذیری (معادل اعتبارسنجی) و اعتمادپذیری (معادل روایی محتوا) داده‌ها؛ اگر یافته‌های مطالعه قابل اتکا باشند دارای دقت، ثبات و هماهنگی خواهند بود. یادداشت‌های انعکاسی، اندیشه‌های تحلیلی و ثبت و ضبط آنها به وابستگی و اتکاپذیری پژوهش کمک می‌کند. توصیف دقیق و عمیق فرایند، متن و افراد درگیر با پژوهش بدین‌منظور به کار گرفته می‌شود (گابا و لینکلن، ۱۹۸۹).

برای اطمینان از اتکاپذیری (dependability) داده‌ها، محقق با غرق شدن در بطن تحقیق، همه داده‌ها را استخراج و تحلیل کرد و کوشید فرایند، متن و افراد درگیر در پژوهش به دقت ثبت و ضبط گردد.

وقتی یک مطالعه اعتمادپذیر است (معادل روایی محتوا) که افراد معقول بودن و درستی یافته‌ها را در

زمینه اجتماعی خود تشخیص دهند. یکی از راهبردهای مهم اعتمادپذیری بررسی به وسیله اعضا یا روسازی فردی (Member checks) است. در این شیوه پژوهشگر داده‌هایی را به اعضای گروه (مثلاً، روان‌شناس متخصص) ارائه می‌دهد تا درباره صداقت و صحت آنها نظر بدهند. راهبرد دیگر کسب اطلاعات از همگنان (Peer debriefing) است که براساس آن از یک یا چند همکار آموزش دیده خواسته می‌شود سیر فرایند داده‌ها را تحلیل نمایند و دیدگاه خود را درباره تفسیر داده‌ها ارائه دهند (هومن، ۱۳۸۵، ص ۶۲-۶۶).

برای اعتمادپذیری (credibility) داده‌ها، از راهنمایی و نظارت متخصصان در این زمینه استفاده شد؛ رمزها، مقوله‌ها، مضمون‌ها، و الگوی نظری برگرفته از داده‌ها، در قالب فرم «ارزیابی نسبت روایی محتوا» و «شاخص روایی محتوا»، به ۱۱ متخصص ارائه شد که تحصیلات حوزوی و دکترای روان‌شناسی داشتند. همچنین یک متخصص فرایند تحلیل داده‌ها و تفاسیر را مجدد بررسی کرد.

یافته‌های پژوهش

طی نتایج حاصل از تحلیل کیفی متون دینی، ۳۳ زیرطبقه / زیرمقوله به‌منزله زمینه پیمان‌شکنی زناشویی به‌دست آمد که ۱۵ مقوله در حوزه فردی و ۱۸ مقوله در حوزه ارتباطی دسته‌بندی شد. فرایند رمزگذاری، مقوله‌بندی و استخراج زمینه‌ها در مشورت با کارشناسان به‌دست آمد. همان‌گونه که در جدول ذیل گزارش شده، فرایند رمزگذاری، مقوله‌بندی و استخراج زمینه‌ها به تفصیل ذکر آمده است:

جدول ۱: رمزگذاری، مقوله‌بندی و استخراج زمینه‌ها

حوزه	مقوله	کدها
فردی	ضعف پابندی مذهبی	کفر، ضعف ایمان، فسق، نفاق
	ضعف پختگی عقلانی	جهالت، زوال عقل، عدم تدبیر
	ضعف خویشتن‌داری	ضعف عفت، ضعف حیا، ضعف ورع
	ضعف ثبات هیجانی	عدم وزانت و وقار، رشدنا یافتگی، عجله، تبدل
	ضعف حرمت خود	کرامت نفس، مروت، شرافت نفس
	اباحه‌گری	ضعف غیرت، دیانت
	بدبینی	گمان، غیرت نابجا
	تنوع‌طلبی	ذواق، کثرت طلاق
	گم‌گشتگی هویت	اشتغال نفس به غیر خود، جهل به خود
	جنون	جنون، عدم مالکیت بر نفس
	موسیقی محرک	غنا، لغو حدیث، نواختن آلات لهو
	عدم مدیریت ذهن	فکر گناه، وسوسه، حدیث نفس، تسلط شیطان، توجیه، تسویل
	آمادگی سرشتی	طبیعت، طینت، ولد زنا، خلقت، نطفه
	تغذیه نامشروع	شراب، گوشت خوک
	فقر و نیاز مالی	فقر، گرسنگی، تشنگی
	ضعف تکیه‌گاهی مردان	بلا تکلیف گذاردن زنان، ضایع کردن همسر، دوری از همسر، بخل و خست، ضعف غیرت، حفاظت، غفلت، واگذاری همسر به غیر، عدم تأمین مالی

زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه دینی ۱۰۷

خضراء الدمن، ضعف عفت در خانواده، مزاحمت نوامیس	زمینه‌های خانوادگی	ارتباطی
طایفه غیرعقیف، زنان فاسق، زنان قریش	زمینه‌های قومی و اجتماعی	
آرایش، لباس نو، کوتاه کردن مو، مسواک، پاکیزگی، خضاب، عطر	عدم آراستگی ظاهری	
کتک و بددهنی، دلسوزی، شاد نمودن، هدیه	نیاز عاطفی زنان	
آرایش برای نامحرم، زینت، کلاه متروکه، موها، پوشش بدن نما	پوشش نامناسب	
عجله در رابطه جنسی، ملاحظه، دوری از رابطه جنسی، عدم تأمین جنسی، متعه	نیاز جنسی	
اطاعت‌پذیری، گوش ندادن، صبر نکردن، عبوس بودن، بددهنی، اصرار بر رفتارهای محرک	ضعف پذیرندگی زنان	
برخورد با نامحرم، دیدار، خلوت با نامحرم، خوابیدن در حضور نامحرم	تعامل ناسالم (اختلاط)	
عصیان، نسبت زنا به خود	انتقام از همسر	
زینت در مقابل غیر همسر، رابطه زناشویی در مقابل فرزندان، لمس آلت فرزند، عدم پوشش در رابطه جنسی	ابهام مرزهای درون خانوادگی	
چشم‌های خیانتکار، نگاه به موها و زینت نامحرم، تکرار نگاه به جنس مخالف، مطالعه متون محرک، زنا، چشم	عدم مدیریت دیدار	
عدم مالکیت بر نفس، کراهت، اضطراب، عدم تجاوز از حدود اخلاق تند، نسبت زنا، غضب	اجبار و اضطراب ارتباط کلامی مخرب	
شنیدن مطالب شهوات‌انگیز، شنیدن صدای نازک زنان، گوش ندادن به توصیف زنان دیگر، زنا، گوش	عدم مدیریت شنیدار	
دست دادن، سوار بر زین شدن بانوان، زنا، دستان، بوسیدن - لمس کردن	عدم مدیریت لمس	
سخن شهوات‌انگیز با نامحرم، شوخی کردن، هم‌کلامی و گفت‌وگوی غیرضروری با جنس مخالف	عدم مدیریت گفتار	
عطر زنان، استنشام عطر مردان	عدم مدیریت شامه	

یافته پژوهش نشان می‌دهد: صحت، اطمینان و توثیق (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) زمینه‌ها و الگوی مفهومی با استفاده از شاخص‌های اعتماد‌پذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری و تأییدپذیری گابا و لینکلن (۱۹۸۹) تأیید گردید. به منظور کسب اطلاعات از همگان، فرایند تحلیل و تفسیر داده‌ها به تأیید متخصص دیگری هم رسید. در نسبت روایی محتوا (CVR) که توسط لاوشه (Lawshe C. H.; 1975) برای تعیین روایی محتوایی الگو یا پرسشنامه ابداع شد، محاسبه نظرات کارشناسان براساس مقیاس لیکرت سه درجه‌ای «ضرورتی ندارد»، «مفید است، ولی ضروری نیست» و «ضروری است» یافته‌ها طبقه‌بندی گردید (شولتز و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۸۵). براساس محاسبه صورت‌گرفته برای ۳۳ زمینه با ارزیابی ۱۱ کارشناس، مقدار CVR برای ۹ زمینه ۱/۰ و برای ۱۵ زمینه ۰/۹۰ و برای ۴ زمینه ۰/۷۰ و برای ۵ زمینه ۰/۶۰ به دست آمد که با توجه به اینکه بالاتر از ۰/۵۹ است (لاوشه، ۱۹۷۵) نسبت روایی محتوا تأیید گردید. مقدار CVR به شرح ذیل است:

جدول ۲: نسبت روایی محتوا (CVR) زمینه‌های پیمان شکنی زناشویی

CVR	زمینه‌ها	CVR	زمینه‌ها	CVR	زمینه‌ها
۰/۷۰	ارتباط کلامی مخرب	۱/۰	عدم مدیریت ذهن	۰/۹۰	ضعف پایبندی مذهبی
۰/۶۰	انتقام از همسر	۰/۷۰	تغذیه نامشروع	۰/۹۰	ضعف قوه عقلانی
۰/۹۰	زمینه‌های قومی - اجتماعی	۰/۹۰	فقر و نیاز مالی	۰/۹۰	ضعف خویشتن‌داری
۱/۰	پوشش نامناسب	۰/۶۰	آمادگی‌های سرشتی - ژنتیکی	۰/۹۰	ضعف ثبات هیجانی
۱/۰	تعامل ناسالم (اختلاط)	۱/۰	زمینه‌های خانوادگی	۱/۰	ضعف حرمت خود
۱/۰	عدم مدیریت دیدار (نگاه)	۰/۹۰	ضعف تکیه‌گاهی مردان	۰/۹۰	اباحه‌گری
۰/۹۰	عدم مدیریت گفتار	۱/۰	نیاز عاطفی زنان	۰/۹۰	بدبینی
۰/۹۰	عدم مدیریت شنیدار	۱/۰	عدم آراستگی ظاهری	۰/۹۰	تنوع‌طلبی
۰/۹۰	عدم مدیریت لمس	۰/۶۰	ضعف‌پذیرندگی زنان	۰/۷۰	گم‌گشتگی هویت
۰/۹۰	عدم مدیریت شامه	۱/۰	نیاز جنسی	۰/۶۰	جنون
۰/۶۰	اجبار و اضطراب	۰/۹۰	مرزهای درون خانوادگی درهم‌تنیده	۰/۷۰	موسیقی محرک

در شاخص روایی محتوا کارشناسان به‌طور مستقیم درصد ارزیابی ارتباط و تطابق داده‌ها با محتوای مدنظر هستند (واینده، اسمیت، شیفرم، ۲۰۰۳، ص ۵۱۰). در پژوهش حاضر میزان تطابق یافته‌ها با مستندات دینی با استفاده از مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای «مطابق نیست»، «نسبتاً مطابق است»، «مطابق است» و «کاملاً مطابق است» به‌دست می‌آید. به منظور محاسبه شاخص روایی محتوا، تعداد کارشناسانی که نمره ۲ و ۳ داده‌اند بر کل کارشناسان تقسیم می‌شود (همان).

مقدار قابل قبول برای شاخص روایی محتوا برابر با ۰/۷۹ است. اگر شاخص گویه یا داده‌ای کمتر از این باشد کنار گذاشته می‌شود (پولیت و بک، ۲۰۰۶، ص ۴۹۳). با توجه به محاسبه صورت‌گرفته برای ۳۳ زمینه با ارزیابی ۱۱ کارشناس با تحصیلات حوزوی و دکتری روان‌شناسی، مقدار CVI برای ۲۴ زمینه ۱/۰ و برای ۴ زمینه ۰/۹۰ است و برای ۵ زمینه ۰/۸۱ است که با توجه به بالاتر بودن از ۰/۷۹ شاخص روایی محتوا تأیید می‌شود. مقدار CVI پژوهش مذکور به شرح ذیل است:

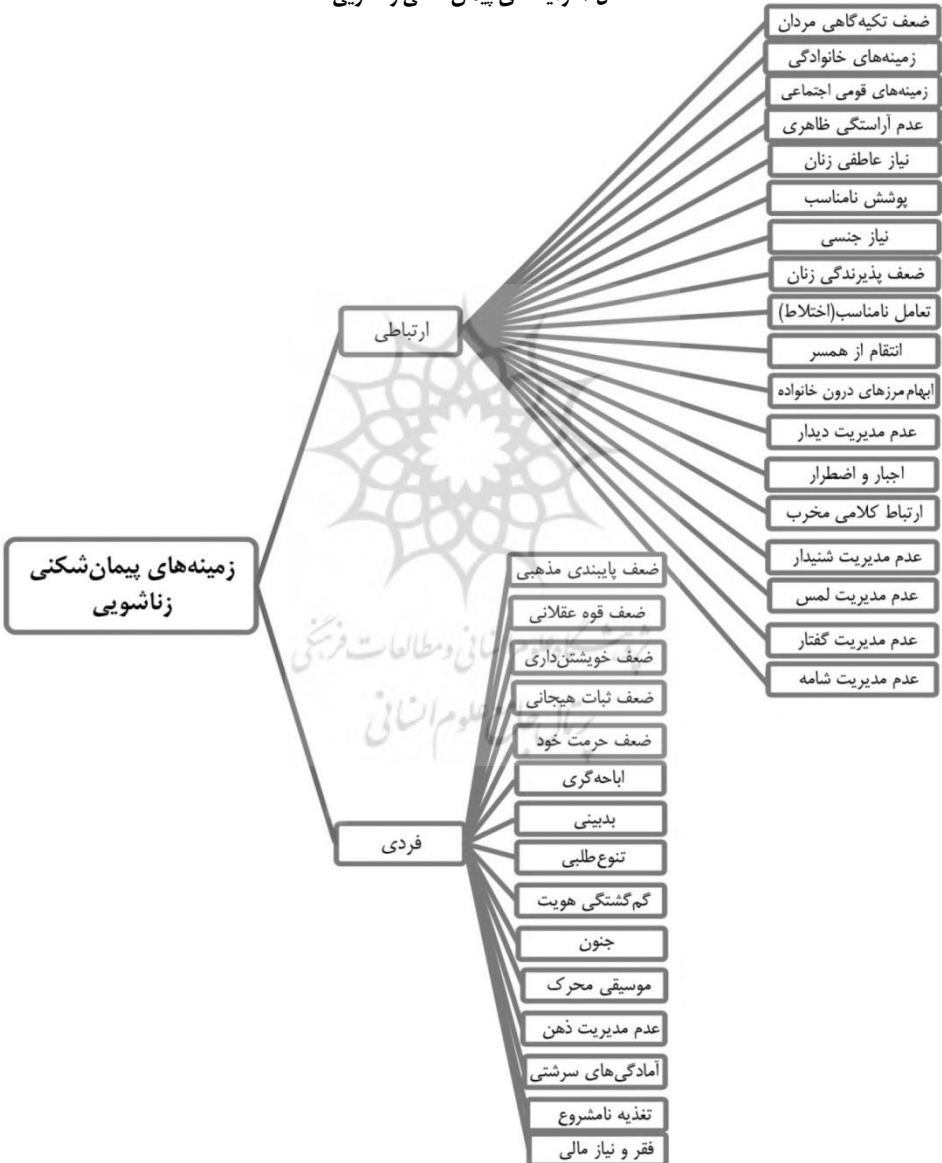
جدول ۳: شاخص روایی محتوا (CVI) زمینه‌های پیمان شکنی زناشویی

CVI	زمینه‌ها	CVI	زمینه‌ها	CVI	زمینه‌ها
۰/۹۰	ارتباط کلامی مخرب	۱/۰	عدم مدیریت ذهن	۱/۰	ضعف پایبندی مذهبی
۰/۸۱	انتقام از همسر	۱/۰	تغذیه نامشروع	۱/۰	ضعف قوه عقلانی
۱/۰	زمینه‌های قومی - اجتماعی	۱/۰	فقر و نیاز مالی	۱/۰	ضعف خویشتن‌داری
۱/۰	پوشش نامناسب	۰/۸۱	آمادگی‌های سرشتی، ژنتیکی	۰/۸۱	ضعف ثبات هیجانی
۱/۰	تعامل ناسالم (اختلاط)	۱/۰	زمینه‌های خانوادگی	۱/۰	ضعف حرمت خود
۱/۰	عدم مدیریت دیدار (نگاه)	۱/۰	ضعف تکیه‌گاهی مردان	۰/۹۰	اباحه‌گری
۱/۰	عدم مدیریت گفتار	۱/۰	نیاز عاطفی زنان	۱/۰	بدبینی
۱/۰	عدم مدیریت شنیدار	۱/۰	عدم آراستگی ظاهری	۱/۰	تنوع‌طلبی
۱/۰	عدم مدیریت لمس	۰/۸۱	ضعف پذیرندگی زنان	۰/۹۰	گم‌گشتگی هویت
۱/۰	عدم مدیریت شامه	۱/۰	نیاز جنسی	۱/۰	جنون
۰/۸۱	اجبار و اضطراب	۱/۰	مرزهای درون خانوادگی درهم‌تنیده	۰/۹۰	موسیقی محرک

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف زمینه‌یابی و روایی‌سنجی پیمان‌شکنی زناشویی براساس اندیشه دینی صورت پذیرفت و به دو پرسش پژوهش پاسخ داد. در پاسخ به پرسش اول که زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی را جست‌وجو می‌نماید، ۳۳ مقوله به‌دست آمد که ۱۵ مقوله در حوزه فردی و ۱۸ مقوله در حوزه ارتباطی جای گرفت:

شکل ۱: زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی



در پاسخ به پرسش دوم چنین به دست آمد که روایی محتوا با استفاده از نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) در همه زمینه‌های ۳۳ گانه تأیید گردید.

پژوهش‌های گوناگونی نتایج به دست آمده را تأیید می‌نمایند. پژوهش‌ها این موارد را نشان می‌دهند: کمبود جنسی - عاطفی، خشم، حسادت، انتقام، تنوع‌طلبی، روابط جنسی پیش از ازدواج، نارضایتی در رابطه کنونی، احساس ناامنی یا نامطمئن بودن در خصوص رابطه، علاقه مفرط برای برقراری رابطه عاشقانه با فرد خارج از رابطه زناشویی، نارضایتی جنسی، ناتوانی در کنترل وسوسه‌ها، مصرف دارو یا الکل (روسو و همکاران، ۱۹۸۸؛ دریگوتاس و همکاران، ۱۹۹۹؛ گلاس و رایت، ۱۹۸۸).

برخی پژوهش‌ها تفاوت‌های فردی (نگرش‌ها و صفات شخصیتی)، کیفیت رابطه جنسی - عاطفی و رضایت از زندگی، شرایط محیطی (فریکر، ۲۰۰۶؛ ویدرمن، هرد، ۱۹۹۹)، فقدان رابطه صمیمی با همسر، هرزگی و فساد اخلاقی همسر، احساس تنهایی، عوامل فردی، اختلالات شخصیت، زندگی مجردی و دور از همسر، مشکلات اقتصادی، تنوع‌طلبی و فقدان رضایت جنسی، پیمان‌شکنی شوهر، ماجراجویی و حسادت، کمبود توجه و مراقبت توسط شوهر و ابراز علاقه زیاد توسط مردان دیگر را از زمینه‌ها و عوامل پیمان‌شکنی زنان دانسته‌اند (شاکلفورد، بسر و گوتر، ۲۰۰۸؛ بلو و هارتنت، ۲۰۰۵؛ آلن و همکاران، ۲۰۰۸).

پژوهش‌های دیگری سن، تحصیلات، وجود فرصت‌ها، طول مدت رابطه، تاریخچه طلاق، مذهبی بودن، رضایت از رابطه و عوامل و ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در این زمینه مؤثر دانسته‌اند (آتکینز و همکاران، ۲۰۰۱).

روزا و روزا (Ruza, I. & Ruza, A.; 2012) دریافته‌اند که زمینه‌ها و عوامل فرهنگی - اجتماعی از عوامل اصلی پیمان‌شکنی به‌شمار می‌روند.

یافته‌های *شونین* (Schonian, S.; 2013) نشان می‌دهند: ادراک پیمان‌شکنی متأثر از جنسیت، وضعیت ارتباط، گرایش‌های جنسی، دینداری، وضعیت زناشویی والدین، درگیر شدن عاطفی فرد در روابط خارج از ازدواج و درگیر شدن عاطفی والدین فرد در پیمان‌شکنی عاطفی زناشویی مؤثر است.

میشل (Michelle M. J.)، *آنتونی* (Anthony P. J.) و *میشل* (Michael D. M.; 2014) دریافته‌اند فقدان زمان با کیفیت، ناتوانی در حل مشکلات، بی‌توجهی به ازدواج، و رابطه مهم‌ترین عوامل پیمان‌شکنی از منظر زنان درگیر پیمان‌شکنی زناشویی بود.

مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) عوامل فردی، کشمکش‌های زناشویی و مسائل جنسی را از علل شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی در بین زنان دانسته‌اند.

برخی پژوهش‌ها گویای این مطلب است که افراد برخوردار از قدرت، بیش از افراد ضعیف درگیر پیمان‌شکنی می‌شوند (لامرز و منر، ۲۰۱۶).

براساس پژوهش *بلدراما* دربین (Balderrama-Durbin, C.) و همکاران (۲۰۱۷) خانواده‌های نظامیانی که از همسران خود دور هستند بیش از دیگران درگیر پیمان‌شکنی زناشویی می‌شوند. این خانواده‌ها اگر سابقه جدایی، زمینه‌های طلاق و سابقه پریشانی و تعارضات زناشویی داشته باشند، به احتمال بیشتری دچار پیمان‌شکنی می‌شوند.

آلن و اتکینز (Atkins, D. C.; 2005) چهار حوزه اساسی را در تبیین زمینه‌ها و عوامل پیمان‌شکنی ذکر کرده‌اند: حوزه اول مسائل درون‌فردی است؛ یعنی: ویژگی‌های فردی که افراد از آن برخوردارند؛ مانند مسائل جمعیت‌شناختی یا روان‌شناختی.

حوزه دوم مربوط به شریک زندگی است. ویژگی‌های شریک زندگی در اقدام به پیمان‌شکنی مؤثر است؛ مانند اینکه از نظر هیجانی همسر در دسترس نباشد.

حوزه سوم به مسائل ازدواج و رابطه برمی‌گردد. برای مثال، رضایت جنسی پایین باشد. حوزه چهارم عوامل زمینه‌ای یا خارجی دخیل در ارتباط را برجسته می‌کند؛ مانند فرهنگ، محیط کار، شبکه همکاران، شریک بیرونی.

در تبیین یافته مذکور می‌توان چنین تبیین نمود که زمینه‌های پیمان‌شکنی زناشویی از دیدگاه اسلامی تبیین چندگانه دارند. برخی زمینه‌ها و عوامل، مانند سرشتی، اباحه‌گری، تنوع‌طلبی و ضعف تکیه‌گاهی مردان با الگوی تکاملی (بارکو و همکاران، ۱۹۹۲؛ باس و همکاران، ۱۹۹۲) همسویی بیشتری دارند که بر مسائل دارای ریشه فطری، ژنتیکی و تفاوت جنسیتی تمرکز بیشتری دارند.

زمینه‌های دیگری مانند ضعف پایبندی مذهبی، زمینه‌های قومی و اجتماعی، زمینه‌های خانوادگی با نظریه اجتماعی، فرهنگی (اگلی و وود، ۱۹۹۱) و الگوی هنجاری (دریگوتس، بارانا، ۲۰۰۱) همسو بوده، معتقد است: پیمان‌شکنی از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، باورها، هنجارها و الگوهای رفتاری جامعه شکل می‌گیرد. دیگر زمینه‌ها و عوامل مانند ضعف ثبات هیجانی، ضعف خویشتن‌داری، اباحه‌گری، ضعف حرمت خود، تنوع‌طلبی، بدبینی، جنون، و گم‌گشتگی هویت با نظریه‌های دلبستگی نایمن (میشل، ۲۰۰۰) و سلامت روانی و شخصیت بیشتر همسو می‌باشد که شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی را نتیجه آسیب‌های ناشی از دلبستگی ایمن و اختلالات روانی و شخصیت می‌داند.

زمینه‌ها و عوامل دیگری، مانند نیاز عاطفی زنان، نیاز جنسی، عدم آراستگی ظاهری همسر با الگوهای سرمایه‌گذاری همسو است که سرمایه‌گذاری کم در رابطه یا جایگزینی جذاب‌تر در زندگی را از عوامل پیمان‌شکنی زناشویی می‌داند (دریگوتس و همکاران، ۱۹۹۹؛ روزبلیت و همکاران، ۱۹۹۴) که با الگوی «ارضای نیازها» (Need fulfillment) همسویی دارد که معتقد است: نیازهای زیستی - روانی زمینه شکل‌گیری پیمان‌شکنی زناشویی را فراهم می‌آورد (مومنی جاوید و شعاع کاظمی، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

زمینه‌های پوشش نامناسب، تعامل ناسالم (اختلاط)، نبود مدیریت دیدار (نگاه)، فقدان مدیریت شنیدار، عدم مدیریت شامه، فقدان مدیریت گفتار و نبود مدیریت لمس هم از ابهام در مرزگذاری حکایت دارد (زارعی توپخانه، ۱۳۹۸، ص ۶۶-۶۹) که پیمان‌شکنی زناشویی را پدید می‌آورد.

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، به نظر می‌رسد چنین پژوهش‌هایی با محدودیت‌هایی همراه است؛ از جمله اینکه به علت گستردگی منابع دینی امکان دارد زمینه‌ها و عوامل دیگری در منابع موجود باشد که به‌دست نیامده است. با توجه به زمینه‌های به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌گردد مقیاس زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی و ساخت دستورالعمل‌های درمانی در دستور کار قرار گیرد.

منابع

- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲، *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رفیعی‌هنر، حمید، ۱۳۹۷، *الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی براساس منابع اسلامی*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زارعی توپخانه، محمد، ۱۳۹۸، *طراحی و تدوین بسته زوج درمانگری چندوجهی با رویکرد اسلامی برای مداخله در روابط خارج از ازدواج*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۹۴، *روان‌شناسی اسلامی*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۰، *منطق فهم حدیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- علی‌پور، مهدی و سیدحمیدرضا حسنی، ۱۳۸۹، *بارادایم‌های دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتحی آشتیانی، علی، ۱۳۹۵، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران، بعثت.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۷، *تحکیم خانواده*، قم، دارالحدیث.
- مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۹۵، *درسنامه فقه الحدیث*، قم، دارالحدیث.
- مومنی جاوید، مهرآور و مهرانگیز شعاع کاظمی، ۱۳۹۵، *دیدگاه‌های نظری پیمان‌شکنی زناشویی و بهبود روابط*، تهران، آوای نور.
- نورعلیزاده، مسعود، ۱۳۹۷، *روش مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۵، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران، سمت.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C., 2005, "The multidimensional and developmental nature of infidelity", *Practical applications clinical psychology*, N. 61(11), p. 1371-82.
- Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Markman, H. J., Williams, T., Melton, J., & Clements, M. L., 2008, "Premarital precursors of marital infidelity", *Family process*, N. 47(2), p. 243-259.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S., 2001, "Understanding infidelity: Correlates in a national random sample", *Journal of Family Psychology*, N. 15, p. 735-749.
- Balderrama-Durbin, C., Stanton, K., Snyder, D. K., Cigrang, J. A., Talcott, G. W., Smith Slep, A. M., Heyman, R. E., Cassidy, D. G., 2017, "The risk for marital infidelity across a year-long deployment", *Journal of Family Psychology*, N. 31(5), p. 629-634.
- Barkow, J. H., Cosmides, L., & Tooby, J. (Eds.), 1992, *The adapted mind: Evolutionary psychology and the generation of culture*, New York, Oxford University Press.
- Blow, A. J., & Hartnett, K., 2005, "Infidelity in committed relationships ii: A substantive review", *Journal of marital and family therapy*, N. 31(2), p. 217-233.
- Brown, E. M., 2013, *Patterns of infidelity and their treatment*, London, Routledge.
- Buss, D. M., Larsen, R. J., Westen, D., & Semmelroth, J., 1992, "Sex differences in jealousy: Evolution, physiology, and psychology", *Psychological Science*, N. 3, p. 251-255.
- Canto, J. M., Alvaro, J. L., Pereira, C., Garrido, A., Torres, A. R., Pereira, M. E., 2017, "Jealousy, Gender, and Culture of Honor: A Study" in *Portugal and Brazil*, N. 151(6), p. 580-596.
- Drigotas, S. M., & Barta, W., 2001, "The cheating heart: Scientific explorations of infidelity", *Current Directions in Psychological Science*, N. 10(5), p. 177-180.

- Drigotas, S. M., Safstrom, C. A., & Gentilia, T., 1999, "An investment model prediction of dating infidelity", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 77(3), p. 509-515.
- Eagly, A., & Wood, W., 1991, "Explaining sex differences in social behavior: A metaanalytic perspective", *Personality and Social Psychology Bulletin*, N. 17, p. 306-315.
- Fenigstein, A., & Peltz, R., 2002, "Distress over the infidelity of a child's spouse: A crucial test of evolutionary and socialization hypotheses", *Personal Relationships*, N. 9, p. 301-312.
- Floor, W. M., 2008, *A social history of sexual relations in Iran*, Washington, DC, Mage Publishers.
- Fricker, J., 2006, *Predicting infidelity: The role of attachment styles, lovestyles, and the investment model*, Swinburne University of Technology Melbourne, Australia.
- Gemmer, S. J., 2012, "Exploring Infidelity: Developing the GEM RIM (Gemmer's Risk of Infidelity Measure)", *the requirement for the degree of doctor of psychology*, Wright State University.
- Ghayyur, T., 2010, *Marriage: Conflict, Divorce in the Muslim Community: 2010 Survey Analysis*, Copyright © 2010 Sound Vision Foundation.
- Glass, S. P., & Wright, T. L., 1988, "Clinical Implications of research on extramarital involvement", in R. Brown and J. Field (Eds.), *Treatment of Sexual Problems in Individual and Couples Therapy*, New York, PMA.
- Guba, e. g. & Lincoln, y., 1989, *fourth generation evaluation*, Newbury park, CA sage.
- Lammers, J., Maner, J., 2016, "Power and Attraction to the Counternormative Aspects of Infidelity", *Journal of Sex Research*, N. 53(1), p. 54-63.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., Cravens, J. D., 2017, "Do You Have Anything to Hide? Infidelity-Related Behaviors on Social Media Sites and Marital Satisfaction", *Computers in Human Behavior*, N. 66, p. 88-95.
- Messripour, M. E., O. Ahmadi, S. A. Jazayeri, R., 2016, "Analysis of the Reasons for Infidelity in Women with Extra-marital Relationships: A Qualitative Study", *Canadian Center of Science and Education*, N. 10, p. 1913-1852.
- Mitchell, L., 2000, "Attachment to the missing object: Infidelity and obsessive love", *Journal of Applied Psychoanalytic Studies*, N. 2(4), p. 383-395.
- Penn, C. D., Hernandez, S. L., & Bermudez, J. M., 1997, "Using a cross-cultural perspective to understand infidelity in couples therapy", *The American Journal of Family Therapy*, N. 25(2), p. 169-185.
- Polit, D. F., Beck, C. T., 2006, "The Content Validity Index", *Research in Nursing & Health*, N. 29, p. 489-497.
- Rodrigues, I. B., Adachi, J. D., Beattie, K. A., MacDermid, J. C., 2017, "Development and validation of a new tool to measure the facilitators, barriers and preferences to exercise in people with osteoporosis", *Musculoskeletal Disorder*, N. 18(1), p. 1-9.
- Roscoe, B., Cavanaugh, L. E., Kennedy, D. R., 1988, "Dating infidelity: behaviors, reasons and consequences", *Adolescence*; N. 23(89), p. 35-43.
- Rusbult, C. E., Drigotas, S. M., & Verette, J., 1994, "The investment model: An interdependence analysis of commitment processes and relationship maintenance phenomena", in D. Canary & L. Stafford (Eds.), *Communication and relationship maintenance*, San Diego: Academic Press.
- Ruza, I., & Ruza, A., 2012, "Causal explanation for infidelity of Latvian residents in dating and marital relationships", *Journal of Family Psychology*, N. 28(1), p. 236-242.
- Schonian, S., 2013, "Perceptions and Definition of Infidelity: A Multimethod Study", *Master of Science Department of Marriage and Family Therapy*, University of Nevada.
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T., 2008, "Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity", *Individual Differences Research*, N. 6(1), p. 13-25.

- Shannon, S., 2005, "Three approaches to qualitative content analysis", *Qualitative Health Research*, N. 15(9), p. 1277-1288.
- Shultz, K. S., Whitney, D. J., Zickar M. J., 2014, *Measurement theory in action: action: case studies and exercises*, New York, NY, Routledge.
- Sidani, S., Braden, C. J, 2011, *design evaluation and translation of nursing interventions*, Chichester: Wiley-Blackwell.
- Spanier, G.B., 1979, "The measurement of marital quality", *Journal of Sex & Marital Therapy*, N. 5(3), p. 288-300.
- Walker, H. C., 2013, *Establishing Content Validity of an Evaluation Rubric for Mobile Technology Applications Utilizing the Delphi Method*, Baltimore, Maryland, Johns Hopkins University.
- Wiederman, M. W., Hurd, C., 1999, "Extradynamic involvement during dating", *J Soc Pers Relatsh*; N. 16(2), p. 265-74.
- Wilson, K., Mattingly, B. A., Clark, E. M., Weidler, D. J., Bequette, A. W., 2011, "The gray area: Exploring attitudes toward infidelity and the development of the Perceptions of Dating Infidelity Scale", *The Journal of social Psychology*, N. 51(1), p. 63-86.
- Wynd, C. A., Schmidt, B., Schaefer M. A., 2003, "Two Quantitative Approaches for Estimating Content Validity", *Nursing Research*, N. 25(2), p. 508-518.

